

بسم الله الرحمن الرحيم

شکست اسلام سیاسی دروغ‌پردازی واضح و پوشیدن حقایق است

(ترجمه)

شروع بیداری مسلمانان بعد از اوسط قرن گذشته بود؛ به این واقعیت که اسلام تنها احکام مربوط به ایمان، عبادت و اخلاق نیست؛ بل عقیده سیاسی است و از آن نظامی بیرون می‌آید که همه شئون زندگی را در برمی‌گیرد. بعد از آن بیداری، در بین مسلمانان نیز انتشار و نشانه‌ها و دلائل آن افزایش یافت. از آن جایی که مسلمانان در مواضع مستمر، از فهم اسلام به عنوان یک نظام جامع حکومتی و سیاسی استفاده می‌کردند، غرب را متوجه این بیداری اسلامی نمود. بعد از این که اطمینان حاصل کردند که بازگشت اسلام به میدان جنگ کیان سیاسی‌شان را برای همیشه از بین می‌برد، این انقلاب هشدار برای غرب شد. پس غرب به رهبری امریکا، برای ضربه زدن مفکوره خلافت و در کل علیه گرایش سیاسی اسلامی متحد و بسیج شد و این گرایش را به نام اسلام‌گرایی (Islamism) اطلاق کردند و مراکز مطالعات غربی و عربی را متوجه ساخت که طرح‌های خود را برای این رویکرد ارائه کنند. آنچه متولیان نظم جهانی را از این رویکرد اسلامی آزار می‌دهد، اینست که مصدر آن نصوص شرعی از جانب الله سبحانه و تعالی می‌باشد، نه قوانینی که صرفاً طرح و ساخته دست انسان است.

تعبیر و یا اصطلاح اسلام سیاسی به معنای اسلام سیاسی و اسلام غیرسیاسی وجود ندارد؛ چون اسلام با تمام تشریعاتش چه در عبادات، معاملات و عقوبات و احکام خلافت و غیره واحد است؛ بلکه هدف و مراد از این تعبیر فقه سیاسی اسلام است. مثلاً می‌گویند: فقه عبادات، فقه معاملات، فقه سیاسی و مانند این‌ها. بدون شک، اظهار رأی عمومی امت در اواخر قرن گذشته، به مصلحت تحولات سیاسی اسلامی منجر شد و مفکران و دانشگاہیان و مراکز فکری و مطالعاتی غربی را واداشت تا به بررسی این موضوع و ارائه طرح‌های خود در رابطه به این امر بپردازند. در نتیجه این، مطالعاتی منتشر شد که می‌گفتند اسلام سیاسی فقط وسیله فرصت‌طلبانه است؛ برای این ادعای خود ایران، ترکیه و حرکت اخوان المسلمین را دلیل می‌آوردند و موقف و تغییرات آن‌ها را طبعاً که به هدف رسیدن به قدرت بود، بررسی کردند، و بر این تجربه تمرکز کردند که این حرکت‌ها هیچ برنامه‌ای را برای معالجه مشکلات اقتصادی و اجتماعی تقدیم نکردند و براین اساس اسلام سیاسی را شکست‌خورده ارزیابی کردند.

یکی از برجسته‌ترین این مطالعات/پژوهش‌ها، کتابی است تحت نام "فشل الإسلام السياسي یعنی "شکست اسلام سیاسی" که توسط اولیفر روا فرانسوی در سال 1992 منتشر شد. وی در آن کتاب تأکید کرد که اسلام سیاسی شکست خورده و قبل از پایان قرن از میدان خارج خواهد شد. کتابی دیگری تحت نام "قدوم مجتمع ما بعد الإسلامیین" یعنی "ظهور جامعه پسا اسلامیست‌ها" که توسط آصف بیات، آکادمیست امریکایی ایرانی الاصل در سال 1996 منتشر شده که او سقوط حکومت آخندهای ایران را پیش‌بینی کرد. همچنان کتاب تحت نام "ما بعد الإسلامیزم... الأوجه المتغیره للإسلام السياسي" یعنی پسا اسلامیزم... جنبه‌های متغیر برای اسلام سیاسی" که حدود ده محقق همراه با آصف بیات در سال 2009 آن را نوشته کرده‌اند. مراد او از پسا اسلامیزم این است که اسلام سیاسی شکست خورده و سکولاریزم جایگزین آن است. علی‌الرغم این، به وجود آمدن انقلاب‌های عربی در اواخر سال 2010 به آن‌ها صدمه وارد کرد که اسلام سیاسی علی‌رغم فرضیه‌ها و حیل‌های‌شان انتخاب امت اسلامی گردید و این امر غرب و نظام مزدوران‌شان را تهدید می‌کرد.

بناءً آن‌ها جبهه جنگ را علیه اسلام سیاسی شعله‌ور ساختند؛ بخصوص بعد از کودتای سال 2013 علیه حکومت اخوان المسلمین در مصر و متزلزل شدن حاکمیت حرکت النهضة در تونس؛ علی‌رغم سکولاریزمی و فخر کردن‌شان که این حرکت‌ها سیاسی است و اسلامی نمی‌باشند. حملات رسانه‌ای در سرزمین‌های اسلامی با انتشار دروغ‌هایی که اسلام سیاسی بر اساس نتایج انقلاب‌های عربی در مصر، تونس و جاهای دیگر شکست خورده، فعال بودند. در این رابطه ده‌ها کتاب منتشر شد، مانند کتاب آصف بیات تحت نام ما "بعد الإسلامیزم" یعنی "فراتر از اسلام‌گرایی" که در سال 2013 منتشر شد؛ هرچند در سال 2009 آماده بود. کتاب "إعادة التفكير فی الإسلام السياسي" یعنی "بازنگری در اندیشه اسلام سیاسی" که توسط دو محقق در مراکز مطالعاتی امریکا در سال 2017 منتشر شد و کتاب "الجهاد و آخرته... ما بعد الأسلام السياسي" یعنی "جهاد

و آخرت آن... بعد از اسلام سیاسی" که در سال 2018 منتشر شد و یک مطالعه ایتالیایی تحت عنوان "الإسلام سیاسی فی البلاد العربیة... التاريخ و التطور" یعنی "اسلام سیاسی در کشورهای عربی... تاریخ و توسعه آن" در سال 2013 از 9 محقق در دانشگاه روم منتشر شد. همچنان در سال 2018 یک مالزیایی مطالعه‌ای را تحت عنوان "الإسلام السياسي في الإسلامیزم وما بعد الإسلامیزم" یعنی "اسلام سیاسی در اسلام‌گرایی و پسا اسلامیزم" منتشر گردید. همین‌گونه کنفرانسی در پایتخت اردن تحت نام "چشم‌انداز اسلام سیاسی در یک منطقه نآرام، اسلام‌گرایان و تهدیدهای پس از بهار عربی" در سال 2017 برگزار شد و دومین کنفرانس در سال 2018 تحت عنوان "پسا اسلام سیاسی؛ شرایط، سیاق‌ها و چشم‌اندازها آن" برگزار گردید.

این‌ها چند نمونه‌ای از جنگ دیوانه‌وار علیه اسلام سیاسی؛ بدون در نظر داشت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و صدها مقاله عربی است که خاص برای گسترش خرافات و شکست اسلام سیاسی استفاده می‌شود. بناءً واضح می‌شود که تمامی این نشریات خالی از هرگونه اثبات، دال بر شکست اسلام سیاسی است. بیشترین دلیل‌شان بر اساس ادعاهای "روا و بیات" است و آن‌ها را از علمای برجسته در امور حرکت‌های اجتماعی و اسلام سیاسی به هدف تأثیری که به خودشان گذاشته توصیف می‌کنند. آن‌ها به هدف رام کردن از طریق پمپاژ رسانه‌ای آن‌ها را ترجمه، خلاصه و نقل قول و این نظریات را طوطی‌وار تکرار می‌کنند.

این مطالعات، الگوهایی را نمونه می‌کرد و به تمام جنبش‌های اسلامی همگانی، ارتباط دادند، مدعی شکست اسلام سیاسی شدند، این را از تلاش‌های انحرافی جهت‌ها، اختیار و استدلال کردند و از دیگران چشم‌پوشی کردند، نزد نظریه‌پردازان و نواندیشان دینی این انحرافات‌شان را با ادعای اسلام میانه و یا معتدل جواز می‌دادند، طرفدار دموکراسی و آزادی‌های عمومی بودند، از دلایل نصوص شرعی که در این رابطه وجود داشت، پشت می‌گردانند و از نتایج بزرگی که حزب التحریر ارائه کرده است، غفلت می‌کردند. بنابراین، کل این مطالعات، نشریه‌ها و ادعاها فرسوده بود؛ زیرا مبتنی بر گمراه کردن، پنهان کردن حقایق و کور کردن آن‌ها می‌باشد. پس آن‌ها تجربیاتی را انتخاب می‌کنند که عناوین آن‌ها اسلامی و حقیقت آن‌ها غیر از این است. لذا آن‌ها را دلیلی بر شکست اسلام در حکومت‌داری می‌دانند. از روی قصد به شعار و ظاهر حرکت‌های اسلامی که از نظر محتوا سکولار هستند؛ همچون حزب عدالت و توسعه در ترکیه و حرکت اخوان المسلمین، شاخه‌ها آن، جبهه عمل اسلامی در اردن، جنبش النهضه در تونس و حزب عدالت و توسعه مراکش نگاه می‌کنند و آن‌ها را دلیلی بر شکست اسلام سیاسی می‌گیرند؛ در حالی که، طرح‌ها و اعمال سیاسی آن‌ها متناقض با اسلام است. سپس عدم ارائه هر برنامه یا مشروعیت سیاسی اسلامی توسط این‌ها را شکست اسلام سیاسی می‌دانند و بر این می‌افزایند که اسلام فاقد افکار سیاسی مناسب این عصر است.

این یک سقوط منه‌جی و اخلاقی اسفبار است؛ زیرا آن‌ها از چیزی که به هیچ‌کس پوشیده نیست؛ یعنی شمولیت شریعت اسلام در بخش‌های مختلف، غفلت کردند و به همین ترتیب، حزب التحریر را نادیده گرفتند و نشریات آن را در مورد نظام حکومت‌داری، اقتصادی، اجتماعی و قانون اساسی درخشان اسلامی برای دولت اسلامی را نیز نادیده گرفتند. بنابراین، این غفلت همراه با وارد کردن اتهامات علیه اسلام و سائر حرکت‌های سیاسی آن، دروغ‌پردازی آشکار و پوشیدن حقایق می‌باشد و دلیلی بر عدم انجام این مطالعات و انحطاط دست‌اندرکاران آن است. مقوله شکست اسلام سیاسی، دروغ‌پردازی آشکار و نامعقول سکولاریزم و اصحاب آن می‌باشد. بناءً حقایق فعلی ثابت می‌کند که سکولاریزم شکست خورده است؛ زیرا با فساد و جنایات خود بذر و نسل را از بین برده و با گمراه کردن و پنهان کردن حقایق و با کشتار و درهم شکستن مردم تلاش برای بقای خود می‌کند. اما اسلام عملاً در طول تاریخ‌اش به موفقیت بی‌نظیری دست یافته است. اگر امروز اسلام حاکمیت ندارد؛ ولی در میدان عمل سیاسی مبارزه و تلاش می‌کند که دوباره به حاکمیت برسد و سکولاریزم و رهبران آن را از سر راه خود بردارد. پس ادعاهای نادرست، روبه زوال است و تلاش اصلی و بدیل آینده، حاکمیت دوباره اسلام می‌باشد.

برگرفته از شماره 427 جریده الرایه

نویسنده: دکتور محمود عبدالهادی

مترجم: پارسا امیدی